

آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، دوره هفدهم، شماره ۱۹، بهار - تابستان ۱۳۹۹
نوع مقاله: علمی - پژوهشی (۱۶۱-۱۸۷)

مسئولیت کیفری ناشی از انتقال ویروس کرونا در نظام کیفری ایران (با تأکید بر مخاطره جانی اشخاص)*

□ محسن شریفی^۱

چکیده

شکل گیری موج‌های معتابه بیماری کووید ۱۹ و فزونی مبتلایان و جان‌باختگان انسانی ناشی از آن، وضعیت بغرنجی را فراروی جامعه ایران همچون بسیاری از کشورهای درگیر این پدیده قرار داده است. به رغم تکاپوی درخور ویروس‌شناسان و متخصصان حوزه سلامت در تدوین و ابلاغ پروتکل‌های بهداشتی و نیز آموزش همگانی برای مدیریت این بحران زیستی، بسا اشخاصی، بی‌توجه به ضابطه‌ها و زنده‌های داده‌شده، در شکل‌های مختلف به انتقال یا انتشار این ویروس به افراد معین یا نامعین اقدام، و متعرض تمامیت جسمانی‌شان شوند. در این صورت، بررسی تبعات قضیه و شناسایی مسئولیت کیفری آن‌ها موضوعیت می‌یابد.

این نوشتار با رویکردی توصیفی - تحلیلی به تبیین این مسئله و بُعدهای جنایی آن پرداخته است. ماحصل کار نشان می‌دهد که انتساب گونه‌های جنایت‌های

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱/۲۵ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۶/۲۵.

۱. استادیار مؤسسه آموزش عالی طبهرستان و مدرس دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز
(mohsen.sharifi181@gmail.com).

عمد، شبه عمد و خطای محض به عامل انسانی انتقال‌دهنده حسب موقعیت ذهنی و کیفیت رفتار وی ممکن، و مسئولیت تبعات آن متوجه اوست. این گفته البته بدین معنا نیست که مداخله نهادهای حقوقی نمی‌تواند منتج به رخدادهای جنایی گردد. برعکس، در صورت احراز رابطه علیت بین رفتار این اشخاص و نتیجه‌های مورد اشاره و نیز اثبات عنصر تقصیر، راه برای تحمیل دیه و تعزیر بر آنان هموار است.

واژگان کلیدی: ویروس کرونا، انتقال، جنایت عمدی، جنایت شبه عمد، جنایت خطئی.

مقدمه

مسئولیت کیفری در شکل بالفعل، به معنای تحمل تبعات جزایی رفتار مجرمانه، و در وضعیت بالقوه به معنای اهلیت پذیرش تبعات جزایی این گونه رفتار است (میرسعیدی، ۱۳۹۰: ۲۲-۲۱/۱؛ اردبیلی، ۱۳۹۹: ۱۰۴/۱-۱۰۵). تبیین این مضمون درباره رفتار اشخاص و گروه‌هایی که ممکن است در این برهه حساس، با فعل یا ترک فعل مسبوق به خواست یا خطای خود، به انتقال ویروس کرونا اقدام و از این طریق، علاوه بر تهدید بهداشت عمومی، هر یک از قسم‌های جنایت را نسبت به تمامیت جسمانی اشخاص به منصفه ظهور رسانند، اهمیت مضاعفی دارد. بدیهی است که شناخت کار اینان در وضعیت کنونی که اضطراب ناشی از این عارضه پیچیده و عالم گیر، به تغییر بنیادین سبک زندگی آن‌ها در آغازین دهه سوم قرن بیست و یکم انجامیده، پررنگ‌تر به نظر می‌رسد (شاملو، ۱۳۹۹: ۱۱۳).

در نظام کیفری ایران، مقرره‌های موجودی چون قانون طرز جلوگیری از بیماری‌های آمیزشی و واگیردار مصوب ۱۱ خرداد ۱۳۲۰، به رغم مکلف نمودن وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به اجرای طرح‌هایی به منظور مقابله با مرض‌های همه گیر و آمیزشی از جامعیتی که باید، برخوردار نیستند؛ چه، گذشته از بازدارنده نبودن ضمانت اجراهای پیش‌بینی شده برای انتقال‌دهندگان آن‌ها به سبب خفیف بودن، درباره آثار جنایی از جمله مرگ ناشی از این امر و مسئولیت کیفری مترتب بر آن ورودی نکرده و فاقد حکمی مشخص در این خصوص اند. به اضافه، به نحو حصری از بیماری‌هایی

چند از جمله ایذر، سوزاک و سفلیس نام برده‌اند و همین، شمولشان را نسبت به بیماری کووید ۱۹ ممتنع کرده است.^۱ با این وصف، چاره کار رجوع به قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ - که نوآوری‌های آن در قیاس با قانون پیشین خود، کم هم نیست- و مطالعهٔ مبحث‌های مرتبط با معیارهای ناظر به احراز رابطهٔ استناد و ضوابط حاکم بر شکل‌گیری نوع‌های جنایت و پیوندی است که با موضوع بحث دارند.

باری، نظر به اینکه این قانون در ماده‌های مختلفی چون ۴۹۲، ۵۰۰، ۵۲۶، ۵۲۹ و ۵۳۱ بر مؤلفهٔ تقصیر و وجود رابطهٔ علی بین دو پدیدهٔ مادی یعنی رفتار و نتیجه در اسناد معنوی و مادی جرم به فاعل تأکید دارد، احراز این وقایع در رابطه با مرگ یا آسیب بدنی انسان مبتلا شده به ویروس کرونا، تحمیل مسئول کیفری به عامل انتقال اعم از شخص حقیقی یا حقوقی را تقویت می‌کند. در این صورت، نمی‌توان تفاوت معناداری بین شخصی که به سبب چاه‌کندن یا شلیک نمودن و یا هر شکل سنتی دیگر، فرد یا افرادی را به گام مرگ کشانده است، با شخص آلوده‌ای که به رغم علم به وضعیت خود و آثار نامطلوب آن بر جان و جسم دیگران، از طریقی چون دست دادن و یا ترشحات دستگاه تنفسی به وسیله عطسه یا سرفه، ویروس مورد اشاره را از فاصلهٔ نزدیک به انسانی منتقل کرده، و به سبب از کار افتادن ریهٔ او موجب تلفش می‌گردد، قائل شد. نامحسوس بودن این سلول خطرآفرین، صرف‌نظر از گمانه‌ها دربارهٔ منشأ آن،^۲ و وجود فاصلهٔ زمانی بین زمان سرایت آن و تحقق نتیجه هم، تأثیری در رابطهٔ استناد نخواهد گذاشت؛ مگر اینکه این اتصال با مداخلهٔ عاملی مؤثر و غیر قابل پیش‌بینی، به گونه‌ای بگسلد که مانع به وقوع پیوستن جرم تام و در نتیجه، مسئولیت کیفری مرتکب شود.

۱. با وجود این، برخی قائل به تمثیلی بودن بیماری‌های ذکرشده در مقرره‌اند (مظفری و میرزایی مقدم، ۱۳۹۹: ۳۸۶).

۲. گفتنی است که به اعتقاد سازمان بهداشت جهانی، همهٔ شواهد نشان از آن دارد که خاستگاه چنین ویروس همه‌گیری، خفاش‌های موجود در کشور چین هستند، نه اینکه دست‌ساختهٔ بشر باشد. آنچه محل پرسش و بایستهٔ پژوهش است، چگونگی انتقال آن به انسان است که هنوز در پردهٔ ابهام قرار دارد.
<<https://per.euronews.com/2020/04/21/who-coronavirus-animal-origin-not-manipulated-or-produced-laboratory>>.

گذشته از بُعد مادی موضوع، مسئله این است که به اعتبار رکن معنوی، انتساب سنخ‌های جنایت اعم از عمد و غیر عمد به اشخاص ناقل، بدون مانع است یا با چالش روبه‌روست؟ همچنین آنجا که پای نهادهای دولتی و عمومی در سرایت بیماری در میان باشد، وضعیت چگونه است و به طور مشخص، آیا می‌توان آن‌ها را به واسطه تقصیر پرسنل تحت اختیار و یا اتخاذ خط‌مشی و سیاست خطا کارانه، قادر به تکوین هر دو جنبه این جنایت و به تبع، سزاوار مجازاتی مستقل از افراد دانست؟

این نوشتار کوشیده است تا ضمن تحلیل موضوع‌های مرتبط با بحث، در صدد پاسخ به این پرسش‌ها برآید. بر این پایه، ساختار آن بدین نحو است که در بندهای نخست تا سوم، به چگونگی ایجاد جنایت‌های نام‌برده از جانب اشخاص حقیقی پرداخته شده است. در بند آخر نیز امکان‌سنجی تحقق همین وضعیت در مورد دولت و نهادهای حقوقی مطمح نظر قرار گرفته است.

۱. مخاطره جانی و جسمانی اشخاص از رهگذر انتقال ویروس کرونا

شمار مرگ و میرهای ناشی از بیماری کووید ۱۹، تا ۵ درصد مبتلایان آن متغیر است. در این میان، ضریب خطر برای افراد مسن و افراد دچار بیماری‌های مزمن مانند نارسایی قلبی و اختلال‌های عروقی به مراتب بیش دیگران است و هر آن ممکن است دچار علائم شدید تنفسی و مرگ شوند. در مقام مقایسه، میزان مهلک بودن این عارضه در افراد بالای ۶۰ سال دارای وضعیت این چنینی، ۴/۵ درصد فراتر از افراد پایین‌تر از این محدوده سنی (۱/۴ درصد) است. در مجموع، ۸۰ درصد از گزارش‌های ناظر به مرگ‌های ناشی از این رویداد، مربوط به نفوس بالای ۶۵ سال است که نگران‌کننده است (Nikolich-Zugich et al., 2020: 505, 514; Verity et al., 2019: 669). به این ترتیب می‌توان بر قابلیت ایراد صدمه و نیز کشندگی این ویروس تحت شرایطی صحه گذارد و حسب مؤلفه‌هایی مانند رکن معنوی انتقال‌دهنده، خصوصیت ویروس مورد اشاره، وضعیت مجنی علیه و شرایط و اوضاع و احوال پیرامونی، از امکان تحقق نتیجه‌های زیر سخن گفت.

۱-۱. جنایت عمد

میان انواع جنایات از حیث رکن مادی وجه تمایزی نیست؛ چه، همگی آن‌ها برای ایجاد، محتاج رفتار فیزیکی، شرایط و اوضاع و احوال، نتیجه و رابطه علیت بین دو مورد اخیرند (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۸: ۲۶؛ صادقی، ۱۳۹۴: ۲۵۶). در چارچوب این بحث نیز رفتار مجرمانه می‌تواند مشتمل بر هر اقدامی اعم از فعل یا ترک فعل منجر به انتقال ویروس به اشخاص از جانب عامل به شکل مباشرت یا تسبیب باشد؛ مثل اینکه فرد آلوده به کرونا، از طریق دادن تنفس دهان به دهان به دیگری، بیماری‌اش را سرایت دهد، یا در یک رستوران بیرون‌بر، غذای سفارش داده شده توسط یکی از مشتریان، بیشتر توسط یکی از آشپزهای حامل ویروس آلوده شده باشد. همین‌طور رفتار دانشجوی ساکن در خوابگاهی که به رغم آگاهی‌اش از ابتلای به کرونا، از ترک محیط مزبور و معرفی خود به مراکز درمانی امتناع می‌ورزد و باعث ابتلای دیگران می‌شود. حتی ممکن است فرایند انتقال از طرف شخص غیر بیمار و به فرض از مجرای فروش وسایل آغشته به این ویروس مسری صورت پذیرد. در این حالت‌ها، اگر در یک فرایند علی، رفتار ارتكابی منجر به مرگ یا صدمه به عضو یا منفعت مبتلاشوندگان شود، رکن مادی جنایت کامل خواهد بود. آنچه می‌ماند، تمییز نوع جنایت است که بستگی تام به قصد مرتکب و ظهور صریح یا ضمنی آن در پرتو خصوصیت فعل به کار گرفته شده به شرح زیر دارد.

۱-۱-۱. جنایت عمد مسبوق به قصد

صرف‌نظر از شیوه‌های مختلف انتقال بیماری از جمله از مجرای انسان به انسان که خود می‌تواند به طریق مستقیم یا غیر مستقیم باشد، و یا به واسطه اشیا که ویروس بر روی آن‌ها تا حدی ماندگاری دارد (حکمت‌نیا، ۱۳۹۹: ۱۲)، چنانچه عمل منتهی به سرایت، از روی اراده و اختیار و به منظور تحقق نتیجه‌ای چون جان سپردن منتقل‌الیه باشد، جنایت شکل گرفته عمد و مشمول بند الف ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی است. در این صورت، فرقی نخواهد کرد که ویروس منتقل شده (به عنوان نمود رفتار مرتکب) برای برخی به ندرت کشنده باشد، مثل آنجا که منتقل‌الیه شخصی نه ساله و فاقد

بیماری جانی است، و یا برعکس، نسبت به افرادی خاص از جمله کهن سالان و یا مبتلایان به بیماری‌های زمینه‌ای، نوعاً مرگبار باشد.^۱ همین حکم جاری خواهد بود اگر مخاطب قاصد، فرد یا جمع معین یا نامعینی باشد. مورد نخست مانند آنکه وی بیماری خود را به طور مستقیم یا غیر مستقیم به همسرش در منزل و یا به همکار خود در محل خدمت منتقل نماید و سبب مرگ وی شود. مورد دوم نیز مثل اینکه او به نیت مرگ هر کس و فارغ از هر انگیزه‌ای، اقدام به آلوده‌سازی اشیا و وسایل در منطقه‌هایی از شهر نماید که در معرض استفاده معمول و متعارف ایشان است، و البته منجر به نتیجه شود. پوشیده نماند که احراز رابطه استناد بین انتقال بیماری مورد بحث و نتیجه مترتب بر آن، نه امری آسان که فرایندی توأم با صعوبت است. موجب این امر، محسوس نبودن رفتار فیزیکی فاعل، فاصله زمانی گاه طولانی میان زمان انتشار ویروس و زمان ایجاد صدمه یا مرگ بزه‌دیده، مداخله وقایع احتمالی قطع کننده رابطه مزبور اعم از فعل اختیاری قربانی یا شخص دیگر و یا رویدادی طبیعی است. بدین منظور ضرورت دارد که دادگاه با اهتمام به بُعدهای فنی و حقوقی موضوع، بر این پیچیدگی فائق آید و به حقیقت استناد رهنمون شود. به تجویز ماده ۵۰۱ قانون مجازات اسلامی، غیر مادی بودن رفتار صورت گرفته، مانعی برای انتساب نتیجه به فاعل نیست و حسب مورد می‌توان وی را به ارتکاب جنایت عمدی محکوم کرد. اشاره قانون‌گذار در این ماده به رفتاری چون هراس و تأثیر آن بر وضعیت مجنی علیه نیز نه از حیث طریقت، که از باب موضوعیت است و بدین خاطر نمی‌توان مسئله سرایت بیماری را از شمول آن خارج دانست.

با این توضیح، اگر معلوم شود که شخصی بر حسب شواهد و قرائن اطمینان‌آوری چون نتیجه آزمایش پزشکی و میکروبی، مبتلا به بیماری کووید ۱۹ است و با وجود اطلاع از این امر، با انجام فعل (مثل دست دادن و روبوسی کردن) یا ترک فعل (مانند عدم استفاده از ماسک)، شخص دیگری را که طبق معاینه‌های صورت گرفته، پیش از

۱. وراي بحث نوين بيماري کووید ۱۹، از حیث نظری، برخی از فقهای شیعه (محمد بن مکی، ۱۳۹۱: ۲۴۸/۱) و نیز گروهی از متفکران دینی اهل سنت (بهسنی، ۱۳۴۳: ۹۳-۹۴)، به جز موارد توسل به ابزار به طور نوعی کشنده، قائل به تحقق قتل عمد نیستند. اساس این نظر آن است که همزمانی تحقق مرگ با فعل به طور نادر کشنده را نه منتسب به آن، بلکه به عامل صلاحیت‌دار دیگری منتسب می‌دانند که به هر دلیل بر قاضی پنهان مانده است.

این واقعه بیمار نبوده است، آلوده سازد و سبب آسیب به وی گردد، برخوردار از مسئولیت کیفری خواهد بود. با حصول این شرایط، دیگر فاصله زمانی میان رفتار مرتکب و تبعات آن، عاملی تعیین کننده و برخوردار از درجه اهمیت نخواهد بود (ماده ۴۹۳ قانون مجازات اسلامی). بدیهی است اگر در بین سلسله عامل‌های در طول هم قرار گرفته، سبب قطع کننده‌ای حادث شود، انتساب ماحصل رفتارها به ناقل منتفی است؛ مثل آنجا که دریافت کننده ویروس، متعاقب حدوث عارضه طبیعی (همچون ایست قلبی) و یا رفتار عامدانه شخصی (مانند شلیک گلوله) یا همراه با خطای وی (مثل تجویز داروی اشتباه) فوت نماید. البته در حالتی که سرایت بیماری مورد نظر در عرض دیگر عامل‌ها، انتقال گیرنده را دچار چنین سرانجامی کند، مستند به ماده ۵۳۳ قانون بالا، ضمان ناقل از باب شرکت پابرجاست. البته راه برای بروز دیدگاه مخالف نیز بسته نخواهد بود. بسا استدلال شود که وجه مجرمانه ناظر به این ویروس، نیازمند قانون خاص است؛ چرا که نمی‌توان هر بیماری را با ماده‌های ۲۹۰ و بعد آن تحلیل کرد و به مثابه یک ضربه مشخص وارد شده به شخص تصور نمود و اثر آن را نسبت به همه ولو بیماران زمینه‌ای برابر دانست. فرایند درمانی بیماران به عنوان واقعیت بسیار اثرگذار، نکته‌ای نیست که بتوان از آن چشم پوشید و مورد تحلیل قرار نداد. گذشته از این، در شرایطی که انگار دولت، راهبرد ابتلای گله‌ای را در نظر گرفته است، اصرار برای انطباق همه موردها بر ماده ۲۹۱ به بعد نیز موجه نمی‌نماید. با وجود این، به نظر می‌رسد قانون مورد اشاره با وضع ماده‌هایی چون ۴۹۲، ۵۰۶ و ۵۳۵، نشان داده است که تحقق جنایت عمدی از رهگذر تسبیب و توجه قصاص به مسبب واجد رکن روانی، با مانعی روبه‌رو نیست. اگرچه از میان صاحب نظران به ویژه متقدم، هستند کسانی که با اتخاذ موضعی متفاوت، برای مرتکب ضمانی فراتر از دپه قائل نشده‌اند (طوسی، ۱۳۴۶: ۱۸۷/۳). گفتنی است با وجود قصد بر جنایت و برقراری رابطه سببیت بین انتقال بیماری به بزه‌دیده و مرگ یا آسیب به عضو یا منفعت او، وجود فاصله زمانی هرچند زیاد، مؤثر در مقام نیست. با این همه، بعضی از فقهای عظام با اتخاذ رویکردی مخالف و از سر احتیاط عنوان کرده‌اند:

«حکم به قتل عمد، مشروط به این است که فاصله زمانی زیادی از ابتلا تا فوت مجنی علیه نباشد» (مکارم شیرازی، قابل دسترسی در: <<https://makarem.ir>>).

قانون مجازات اسلامی در ماده ۴۹۳، با ترجیح نظریه علمی رابطه استناد (صادق، ۱۳۹۴: ۱۲۱-۱۲۳؛ فروغی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۳۰) بر نظریه عرفی ناظر به این قضیه، به فاصله زمانی مورد اشاره وقعی ننهاده است (روشن و صادقی، ۱۳۹۰: ۱۳۱). در نظام‌های حقوقی دیگری مثل انگلستان هم که پیشتر با توسل به قاعده یک سال و یک روز، مرگ مجنی علیه پس از این مدت، به عامل دیگری غیر از رفتار مرتکب نسبت داده می‌شد، از سال ۱۹۹۶ به این سو، تغییر موضع ایجاد شده است (به نقل از: میرمحمدصادقی، ۱۳۹۸: ۸۶). همچنین مسئولیت کیفری سرایت‌دهنده عالم و عامد، تحت الشعاع آگاهی مجنی علیه نسبت به نیت و وضعیت او قرار نگرفته و زائل نخواهد شد. بدین ترتیب اگر بزه دیده به رغم چنین معرفتی، تن به رابطه جنسی کنترل نشده با بیمار برخوردار از سوءنیت داده و در اثنای آن، ویروس موصوف از طریق ارتباط تنفسی و ملامسه - و نه لزوماً آمیزش - به وی منتقل شود و او فوت کند، خودکشی‌ای صورت نگرفته و فرد ناقل همچنان متهم به جنایت عمد است. محلی از اعراب نداشتن استناد به قاعده اقدام در چنین مواردی، به سبب شرافت تن و نفس آدمی، و مجاز نبودن صاحبش در ورود صدمه به آن، مگر در شرایط خاصی مانند رضایت بیمار به عمل طبی و جراحی از سوی پزشک یا تراضی افراد به پذیرش حوادث ناشی در عملیات ورزشی با توجه به ضوابط مذکور در ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی است (اردبیلی، ۱۳۹۹: ۱۱۶/۱).

با وجود این، اگر مجنی علیه پس از ابتلا به بیماری و پیش از مرگ، از حق قصاص گذشت کرده یا به مصالحه تن در دهد، منشأ اثر بوده و اولیای دم نمی‌توانند نسبت به قصاص جانی یا مطالبه دیه ادعایی داشته باشند. از این رو که پس از رفتار مرتکب، مقتضی قصاص ایجاد شده است و گذشت متأخر قربانی، مصداق اسقاط مال لم یجب نیست. همین تلقی توسط قانون‌گذار و مأخوذ از نظر برخی فقها (طوسی، ۱۳۵۱: ۱۷۰/۷)، در ماده ۳۶۵ قانون یادشده منعکس شده است. شایان ذکر است چنانچه ملازمه بین انتقال ویروس و نتیجه مطمح نظر، وجود بیماری جانی در مجنی علیه ولو با قابلیت کشندگی، تأثیری در مسئولیت کیفری مرتکب نداشته و از اتهام جنایت عمد خلاصش

نخواهد کرد. پس فاعلی که جنایتی را اراده می‌کند، باید بزه‌دیده خود را همان طور که هست بپذیرد و استنادش به اینکه وی به عنوان مثال از بیماری سرطان رنج می‌برده، وجهی ندارد؛ زیرا در این قضیه، آنچه به عنوان عاملی پویا و برقرارکننده رابطه علیت مؤثر قابل شناسایی است، رفتار او و نه وضعیت قربانی به عنوان سبب ایستاست. مگر اینکه بیماری پیشین بزه‌دیده برای او جز آخرین رمق حیات باقی نگذاشته باشد که در این صورت، اقدام مرتکب، جنایت بر مرده محسوب می‌شود و مشمول ماده ۳۷۲ قانون مجازات اسلامی است.^۱ این‌ها همه، بر فرض قرار گرفتن سلسله عامل‌ها در طول هم‌اند؛ وگرنه در حالتی که فوت بزه‌دیده، محصول اجتماع عرضی هر دو بیماری کرونا و سرطان باشد، شرکت در جنایت شکل گرفته است و اولیای دم پس از پرداخت نیمی از دیه به سرایت‌دهنده، قادر به قصاص او خواهند بود. حال اگر به رغم قرار نداشتن قربانی در حیات غیر مستقر، علت مرگ او، نه دریافت ویروس کرونا که همان سرطان پیشین او باشد، اتهام فاعلی که به این شکل قصدش معلق می‌ماند، شروع به قتل عمد است.

فرع دیگر مسئله، روشن شدن مسئولیت اشخاصی است که به هر شکل، بانی برپایی اجتماع‌های هنری، ورزشی، مذهبی، شادی و یا هر گردهمایی دیگری می‌شوند و از این طریق، موجبات انتقال ویروس از انسانی به انسان دیگر و بروز تبعات بالا را فراهم می‌آورند. پاسخ‌های احتمالی بر این فرض متصور است. نخست اینکه چنین عاملی در مقایسه با شخص دوم که در قامت مباشر ظاهر شده و کار انتقال را انجام داده است، مسببی است که در صورت قوی‌تر بودن از مباشر به هر روی، ضامن و مشمول قسم اخیر ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی خواهد بود. احتمال دوم، ناظر به معاون دانستن تشکیل‌دهنده اجتماع است؛ چه اینکه در عمل، رفتار وی تمهیدی در راستای ارتباط ناقل و انتقال‌گیرنده است. بدیهی است که در این حالت، احراز وحدت قصد میان او و شخص ناقل وفق تبصره ماده ۱۲۶ قانون مورد اشاره، ضروری و تعیین‌کننده است؛

۱. اگرچه ماده مورد اشاره، منشأ حیات غیر مستقر را آسیب انسانی معرفی کرده است، اما خصوصیتی در آن نیست که قابل تسری به عامل‌های طبیعی نباشد؛ چرا که قانون‌گذار نه در مقام ذکر مأخذ این حیات که در صدد توصیف آن است (برای مطالعه بیشتر ر.ک: میرمحمدصادقی، ۱۳۹۸: ۸۸-۹۸؛ صادقی، ۱۳۹۴: ۵۷-۶۳).

شرطی که البته اثبات آن با توجه به اینکه به طور معمول برگزارکنندگان اجتماع‌ها چنین منظوری را دنبال نمی‌کنند، دشوار می‌نماید. حتی علم تشکیل دهنده تجمع، به تحقق نتیجه زیانبار نیز با توجه به تصریح تبصره مزبور بر عنصر قصد، برای معاون دانستن وی نمی‌تواند کافی به مقصود باشد (محمدی جورکوبه، ۱۳۹۹: ۲۱۴-۲۱۵). در صورتی که رفتار شخص مورد بحث با هیچ یک از عنوان‌های یادشده منطبق نگردد، عنوانی فراتر از نقض مصوبه‌های ستاد ملی کرونا با ضمانت اجراهای انضباطی خاص خود نخواهد یافت.

۲-۱-۱. جنایت عمد مسبوق به علم

وضع همیشه این گونه نیست که اشاعه‌دهنده بیماری واگیرداری چون کرونا، قصد صریحی برای تلف نمودن یا ایراد صدمه کمتر از نفس به قربانی را داشته باشد. با این همه، ممکن است که هر یک از نتیجه‌های مزبور محقق شود و دربردارنده این پرسش که عنوان جنایت مربوط، عمد خواهد بود یا غیر عمد؟ تنویر این مطلب خود در گرو ارزیابی قابلیت یا عدم قابلیت کشندگی یا سایر آسیب‌های جسمانی این بیماری نوپدید است. این گفته از آن روست که قانون مجازات اسلامی در دو حالت مختلف، جنایت را به رغم عدم تعلق قصد آشکار بدان، عمدی قلمداد کرده است:

نخست، مرتکب با علم به تأثیر، متوسل به فعلی شود که نسبت به عموم انسان‌ها به طور نوعی موجب جنایت یا مشابه آن شود. در این فرض، آگاهی وی تا زمان اثبات خلاف آن در دادگاه، جز در موردی که موضع آسیب حساس است و عرف بدان ناآگاه، مفروض است (بند ب و تبصره یک ماده ۲۹۰ قانون ا.م.ا.). پس اگر شخص مبتلا بدان و ویروسی که حامل آن است، در قبال برخی به طور نوعی مهلک است و با وجود این، آن را به دیگری منتقل کند، مانند کسی است که رفتار مقتضی جنایت را با آگاهی بر ترتب نتیجه، نسبت به فردی انجام دهد. این گفته از آن روست که ویروس کرونا برای اشخاص سالم به طور معمول غیر جنایت‌بار است و نسبت به اشخاص آسیب‌پذیر به طور نوعی مستعد این نتیجه. پس اگر به فرض، متخصصان به خطرناکی ویروس مزبور نسبت به اشخاصی مانند دارندگان دیابت یا سن بالا زنده‌دار داده باشند و فرد مبتلا به رغم

این آگاهی، ویروس را به چنین شخصی منتقل کند و موجب مرگش شود، جانی عمد محسوب می‌شود (محمدی جورکویه، ۱۳۹۹: ۲۰۹). با این توضیح، ایده کسانی که جنایت شکل گرفته از این طریق را عاری از رکن معنوی تصور نموده و محدود به رکن مادی کرده‌اند (روشن و صادقی، ۱۳۹۰: ۱۱۶)، قابل نقد می‌نماید؛ زیرا علم جانی به خصوصیت جنایت‌بار بودن رفتار خویش، قصد ضمنی است که همچون قصد صریح می‌تواند مفید رکن روانی جنایت عمدی باشد. از همین روست که قانون‌گذار به موجب ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی و طی حکم کلی، ایجاد عموم جرم‌های مقید را منحصر به قصد نتیجه نکرده و از رهگذر علم مرتکب به وقوع آن نیز مقذور دانسته است (مرادی و شهبازی، ۱۳۹۴: ۴۹).

دوم، آنجا که مرتکب دست به رفتاری زند که نه راجع به همه، بلکه نسبت به انسان‌های خاص با توجه شرایط زمانی و مکانی یا به واسطه وضعیت سنی یا داشتن بیماری، نوعاً جنایت‌آمیز و وی نیز بدان آگاه باشد. در این فرض، اثبات علم جانی به این خصوصیت‌ها بر عهده مدعی است (بندپ و تبصره ۲ ماده ۲۹۰ قانون م.ا.). همان‌طور که نمودار به‌روز شده تا پانزدهم فروردین ۱۳۹۹ نشان می‌دهد به‌طور میانگین سه تا پنج درصد مبتلایان این بیماری توان مقاومت در برابر آن را نداشته و سرانجام فوت می‌کنند.^۱

به این ترتیب می‌توان نتیجه گرفت، فعل جانی -انتقال ویروس همه‌گیر کرونا- نسبت به افراد به خصوصی نظیر سالمندان و دارندگان بیماری‌های زمینه‌ای به ویژه حاد، کشنده بوده و مشمول بند پ ماده بالا می‌شود. از این رو، در صورت اثبات علم او به این موضوع، اقدامش ولو با انگیزه احسان (موضوع ماده ۵۱۰ قانون م.ا.)، مصداق قتل عمد است؛ برای مثال، شخصی که از آغشته بودن خود به این ویروس خطرناک آگاه باشد و به‌رغم این، به منظور عیادت به خانه سالمندان مراجعه کند و بدون رعایت ضوابط احتیاطی، از نزدیک با آنان همنشین و متعاقب آن، مرگ کسی را موجب شود، مستحق قصاص است. وضعیت‌های پیش‌جنایی این‌چنینی، با وجود داشتن نقش تسریعی در

1. <<https://www.khabaronline.ir/news/1348620>>; <<https://www.isna.ir/news/99020302412>>.

حصول نتیجه، در اصل مسئولیت مرتکب در قبال جنایت عمدی مدخلیتی ندارند؛ جز اینکه در صورت انتفاء قصاص به هر سبب و رسیدن نوبت به اعمال تعزیر موضوع ماده ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)، به عنوان کیفیات مخفف موضوع ماده ۳۸ این قانون قابل احتساب اند.

اگرچه آیات عظام و مراجع تقلید با وجود تصریح به لزوم رعایت توصیه‌های بهداشتی، هنوز در مورد تحقق این شکل از جنایت اظهار نظر صریحی نکرده‌اند؛ اما از موضع پیشین آن‌ها راجع به تبعات دیگر بیماری‌های مسری پرخطر می‌توان به اهمیت قصد غیر مستقیم از منظر آنان پی برد. برای نمونه، آیه‌الله فاضل لنکرانی در پاسخ به پرسشی در این باره عنوان کرده است:

«در این فرض که بیمار عمداً دیگری را آلوده می‌کند و فوت دیگری مستند به اوست، وی مرتکب قتل شده است و بعید نیست در صورتی که علم به موضوع داشته باشد، از مصادیق قتل عمدی باشد.»

در عین حال، اقلیتی مثل آیه‌الله موسوی اردبیلی، اسناد جنایت عمدی به بیمار ناقل ایدز را مگر در صورت داشتن قصد صریح از جانب او جایز نشمرده‌اند (به نقل از: فروغی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۴۰).

همچنین امکان سنجی تحقق شروع به جنایت عمدی از سوی کسانی که به رغم نداشتن نیت صریح، آنان را در معرض تحقق نتیجه جنایی نسبت به دیگری قرار می‌دهد نیز پُراهمیت می‌نماید؛ مانند فردی که به رغم آگاهی از مثبت بودن پاسخ آزمایش خود در رابطه با بیماری کووید ۱۹ و علم به پیامد مرگبار آن برای انسان‌های دارای وضعیت خاص، به انگیزه صله رحم در صدد دیدار با مادر بزرگ خویش در آسایشگاهی برمی‌آید و بدون توجه به هشدارهای پرسنل و علامت‌های هشدار «ورود ممنوع» الصاق شده به درب ورودی، در شرف ورود به آسایشگاه قرار می‌گیرد و دست آخر، توسط عوامل انتظامی آن محیط دستگیر و از این امر بازداشته می‌شود. این مسئله البته مختص بحث بالا نبوده و در موارد دیگر نیز قابل تسری است؛ همچنان که ممکن است شخصی در هنگام ضربه زدن با مشت به گنجگاه دیگری به قصد تنبیه و نه کشتن وی، به واسطه واکنش به موقع و فنی شخص دارای هنرهای رزمی مستقر در آن محل، ناکام بماند.

به هر روی، شماری از صاحب نظران با تمسک به ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی در باب شروع به جرم و انگشت تأکید نهادن بر عبارت «قصد ارتکاب جرم»، به این پرسش پاسخ منفی داده و گفته‌اند در این حالت‌ها، چون هنوز صدمه‌ای به بار ننشسته است، فقط در پرتو قصد و نیت صریح بر جنایت می‌توان مرتکب را در آستانه تحقق نتیجه، سزاوار عقوبت دانست (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۸: ۱۰۱-۱۰۲).^۱ این برداشت اما قابل نقد می‌نماید؛ چرا که اطلاق واژه «قصد»، مُشعر به هر دو قسم نیت صریح و ضمنی است و قرینه این مدعا ماده ۱۴۴ قانون مورد اشاره است که در مقام صدور حکمی عام در مورد عموم جرایم مقید از جمله قتل اشعار می‌دارد:

«... در جرایمی که بر اساس قانون منوط به تحقق نتیجه است، قصد نتیجه یا علم [قصد تبعی] به وقوع آن نیز باید محرز شود» (محمدخانی، ۱۳۹۵: ۲۵۳/۱-۲۵۹).

گذشته از این، منطقی نمی‌نماید که مرتکب را در صورت تحقق نتیجه، به مجازات اشدی چون مرگ به اتکای قصد تبعی محکوم کرد، اما به واسطه همان قصد و با درجه خطری مشابه، سزاوار تحمل مجازاتی اخف (حبس درجه چهار) در صورت نافرجام ماندن عملیات اجرایی ندانست.

۲-۱. جنایت‌های غیر عمد

از این روی که مقوله سلامت در زمره اولویت‌های نخست جامعه، صرف نظر از متغیرهایی مانند سن، جنس و قومیت افراد قرار دارد، ایجاب می‌نماید که با تهدیدکنندگان غیر عمدی آن از طریق انتقال ویروس کرونا، به مقصود تحقق عدالت و بازدارندگی، برخورد کیفری صورت گیرد. بسا، صدمه‌های جانی و جسمانی وارد شده به قربانی، متأثر از بی احتیاطی و بی‌مبالاتی (تقصیر) ناقل ویروس مورد نظر و یا در موقع‌هایی منبعث از رفتار مبتنی بر خطای محض وی باشد. بر این اساس، دو مورد مزبور به تفکیک مورد تبیین قرار می‌گیرند.

۱. وفق این ماده: «هر کس قصد ارتکاب جرمی کرده و شروع به اجرای آن نماید، لکن به واسطه عامل خارج از اراده او قصدش معلق بماند، به شرح زیر مجازات می‌شود...».

۱-۲-۱. جنایت شبه عمد

گاه مختصات رفتار منجر به سرایت بیماری، نه منطبق با ضوابط ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی، بلکه موافق با یکی از معیارهای مذکور در ماده ۲۹۱ و در نتیجه، تخصیص عنوان جنایت شبه عمد به خود است؛ از جمله اینکه ممکن است انتقال ویروس از طرف مرتکب به مجنی علیه، بدون قصد مستقیم یا ضمنی جنایت صورت پذیرد و بر سبیل اتفاق، منجر به سلب حیات یا دیگر صدمه‌های جسمانی بر او گردد. به عبارتی در این فرض، فاعل در حالی که قصد فعل واقع شده بر مجنی علیه بدون نتیجه منظور را دارد، رفتارش مشمول بندهای ب و پ ماده ۲۹۰ نیست؛ مانند اینکه معلم مبتلا به کووید ۱۹ بدون قصد جنایت، از طریق دست دادن با دانش‌آموز هشت‌ساله، ویروس را به وی منتقل کند و به وجهی هرچند نادر موجب فوت او شود. در هر شکل، رکن مادی این نوع جنایت از حیث رفتار فیزیکی، موضوع جرم، نتیجه و رابطه استناد همچون جنایت عمدی است و تفاوت را باید در رکن روانی آن‌ها جست‌وجو نمود؛^۱ با ذکر این مطلب که جنایت شبه عمد آنجا که از طریق مباشرت صورت می‌گیرد، می‌تواند واجد یا فاقد خطا باشد، اما در حالتی که از طریق تسبیب واقع می‌شود، تقصیر، جزء لاینفک شرایط تحقق آن است (صادقی، ۱۳۹۴: ۲۶۱). حالت اخیر مثل اینکه شخصی میوه آلوده به ویروس موصوف را بدون قصد ایراد صدمه به دیگری که سن پایینی دارد و فاقد هر گونه بیماری ریوی است، تقدیم کند و او پس از مصرف، دچار مرگ شود.

افزودنی است بر خلاف نظر برخی (آقای‌نیا، ۱۳۹۶: ۱۷۱)، در تحقق جنایت مورد نظر از هر طریق - از جمله انتقال بیماری - بنا بر تأکید صورت گرفته در بند الف ماده ۲۹۱ این قانون، قصد ایقاع فعل نسبت به شخص معین، بر خلاف جنایت عمدی موضوع ماده ۲۹۰ که می‌تواند متوجه فرد یا افراد نامعین از یک جمع باشد، ضروری است. تصور شود که شخص مبتلا به کرونا، برای نجات عده‌ای از نوجوانان در حال غرق در رودخانه‌ای - که چنین بیماری‌ای نسبت به آن‌ها اغلب کشنده نیست - اقدام کند و از

۱. بدین خاطر بیشتر فقیهان اسلامی جنایت شبه عمد را ترکیبی از عمد در فعل و خطای در نتیجه توصیف کرده‌اند (نجفی، ۱۳۸۸: ۳/۴۲).

داخل قایقش، دست خود را به سمت جمع و نه شخص معلومی دراز نماید و در نهایت، موفق به خارج کردن یکی از آن‌ها از آب شود. حال اگر پس از چندی، فرد نجات‌یافته به سبب دریافت ویروس از فرد ناجی، جان خود را از دست دهد، قتل صورت گرفته خطای محض و نه شبه عمد به نظر می‌رسد.

مصادق دوم جنایت شبه عمدی از مجرای بیماری واگیردار زمانی شکل می‌گیرد که مسبوق به جهل شیوع‌دهنده آن نسبت به موضوع باشد. چندان که ممکن است شخصی به قصد قتل، وسیله‌های خصوصی و مورد استفاده فرد دیگری را که مهدورالدم می‌پندارد، در غفلت او آغشته به ویروس کرونا نماید و وی پس از استفاده از آن‌ها فوت کند. حال اگر از یک سو، معلوم نشود که خون مجنی‌علیه هدر بوده و از دیگر سو، اعتقاد صادقانه مبتنی بر اشتباه مرتکب به این امر احراز شود، مستند به بند ب ماده ۲۹۱ قانون مجازات اسلامی، جنایت صورت گرفته از گونه نام‌برده است. همچنین است موقعی که شخصی به دلیل خصومت با دیگری، بنای آلوده کردن حیوان او را داشته باشد، اما به اشتباه، صاحبش را آلوده سازد و سبب مرگ او شود.

شکل سوم این نوع جنایت، ناظر به بند پ ماده ۲۹۰ قانون بالا و مربوط به حالتی است که شخصی بی‌آنکه مجموعه اقدام‌هایش منطبق با معیارهای پیش‌گفته راجع به جنایت عمدی باشد، بر پایه تقصیر، موجب ورود ویروس تنفسی کشنده‌ای به بدن دیگری و مرگ وی شود. ضابطه تقصیر نیز همانی است که در ماده ۴۵ این قانون بیان، و مشتمل بر بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی با جلوه‌هایی چون مسامحه، غفلت، عدم مهارت و عدم رعایت انتظامات دولتی دانسته شده است. شبیه آنجا که شخص مبتلا، در اتاق استادان دانشکده‌ای به هنگام صحبت تلفنی و برای سهولت امر، اقدام به برداشتن ماسک خود نموده و به تبع آن، قطره‌های آلوده منتشرشده از عطسه‌اش، استاد سالمندی را آلوده سازد و در نهایت باعث فوت او شود. همین طور، خدمتکار بیمارستانی که به دلیل ضد عفونی نکردن اتاق بیمار کرونایی فوت شده، موجب ابتلای یکی از پزشکان و جان باختن او گردد. ضمانت اجرای این قبیل تخطی‌های نتیجه‌مدار، پرداخت دیه و تحمل حبس تعزیری از سوی عامل است.

۲-۲-۱. جنایت خطای محض

موقعیت‌های سه‌گانه‌ای زمینه‌ساز تحقق این نوع جرم و تفاوت معنادار آن با گونه‌های پیشین است. یکی از آن‌ها، کشتن یا ایراد نقص بر عضو یا منفعت بزه‌دیده بدون وجود قصد فعل و قصد نتیجه نسبت به وی از جانب مرتکب است؛ مانند آنکه شخصی بنای انتقال ذرات ویروس کرونا به فرد معینی را داشته باشد، اما به نحو اتفاقی، فرد دیگری آلوده شود و آسیب ببیند؛ مثلاً یک منشی به قصد قتل رئیس خود، برگ‌های اکالیپتوس آغشته به این ویروس را درون دستگاه بخور مستقر در اتاق او بریزد و لحظه‌هایی پیش از آغاز ساعت رسمی اداری، آن را روشن کند و سپس با گرفتن مرخصی ساعتی از معاون اداره، از محل خارج شود. ولی بر خلاف تصور او، به دلیل تغییر مدیریت و عدم آگاهی وی از این امر، شخص دیگری در اتاق ریاست حاضر شود و بر اثر استنشام قطره‌های آلوده بیمار شود و در نهایت به جهت داشتن شرایط سنی و جسمی نامطلوب کشته شود. فرض دیگر اینکه فردی ماسک و دستکش آلوده به ویروس را در بسته‌بندی به ظاهر بهداشتی و به منظور استفاده و ابتلای فردی خاص و قتل او بر روی پیشخوان هیئت رئیسه سالن همایش بگذارد، اما شخص دیگری به سبب نیاز، از آن استفاده کند و پس از دو هفته بستری شدن، به واسطه درگیر شدن ریه‌اش با ویروس فوت نماید.

اینک باید دید که آیا می‌توان در این موردها، مرتکب را افزون بر شناخت به عنوان جانی خطئی نسبت به شخص دوم، در رابطه با شخص نخست نیز متهم به شروع به جنایت عمدی کرد؟ پیشتر، عده‌ای در تبیین رابطه استناد بین دیگر بیماری‌های واگیردار و نتیجه حاصل از آن، که فرق ماهوی با بیماری کنونی ندارد، با معقول ندانستن تفهیم دو اتهام به وی به سبب رفتاری واحد، به این پرسش پاسخ منفی داده‌اند (فروغی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۴۵). این نظر از آن رو در خور نقد است که خطر فعلیت یافته مرتکب را که موقعیت بزه‌دیده نخست را تا آستانه مرگ یا آسیب بدنی به پیش برده، نادیده می‌گیرد. بی‌گمان، اگر نبود مداخله عامل خارجی در بزنگاه آخر، قصد فاعل در مورد هدف نخست معلق نمی‌ماند.

چنان که مشخص است، در این شق از جنایت نیز فاعل از قصد فعل برخوردار

است و آنچه در مورد او صادق نیست، قصد رفتار واقع شده بر مجنی علیه بنا بر حکم بند پ ماده ۲۹۲ قانون مجازات اسلامی است. البته مثال ذکر شده در این بند - قصد رها کردن تیری به سمت شکار و برخورد با انسانی - دلالت بر این ندارد که جنایت مورد اشاره، مضمول حالتی چون نمونه بالا - که فاعل نیت ایراد فعل نسبت به انسانی دارد اما سرانجام شخص دیگری مورد اصابت قرار می گیرد - نیست؛ زیرا در هر دو حالت، نتیجه به دست آمده، مد نظر فاعل نبوده است. شایان ذکر است که اگر مرتکب علم به این داشته باشد که به طور نوعی، دیگری آماج اقدامش واقع می شود، جنایت واقع شده، نه خطای محض که عمدی به حساب می آید (تبصره این ماده)؛ نظیر صورتی که وی در محیطی متراکم به قصد آلوده سازی شخص الف، مایع حاوی ویروس کرونا را بیفشاند، اما عاقبت، شخص ب که در کنار اوست، آلوده شده و صدمه ببیند.

جنبه دیگر جنایت خطای محض توسط مجنون و صغیر اعم از ممیز و غیر ممیز شکل می گیرد. در این نوع، آنچه مدخلیت دارد، خصوصیت سنی و روانی مرتکب فارغ از رکن روانی اوست که حسب مورد می تواند عمد یا شبه باشد. بدین خاطر قانون مجازات اسلامی پیشین به درستی جنایت منتسب به اینان را در حکم خطائی معرفی کرده بود (حاجی ده آبدی، ۱۳۹۳: ۸۷). بر خلاف نظر کسانی که رفتار افراد یاد شده در نقض اوامر و نواهی قانون گذار را به سبب مقرون نبودن با عنصر اراده، جرم نمی پندارند (عوض، ۱۹۸۰: ۴۳۳) باید گفت که این قشر، از سطح نازل ادراک و اراده برای تکوین رکن معنوی و در نتیجه ارتکاب جرم برخوردارند؛ اما مانع مسئولیت کیفری آنان در چنین وضعی، عدم بهره مندی از مرتبه بالای ادراک است. به یک معنا، این قبیل انسان ها در حالی که از اهلیت جرمی یا جنایی به واسطه داشتن اراده حداقلی و توان برقراری رابطه ذهنی با رفتار مجرمانه بهره مندند، از اهلیت جزایی برای مؤاخذه گردیدن به جهت نداشتن اراده معتبر و رشد جزایی بایسته بی نصیب اند (موسوی مجاب، ۱۳۹۸: ۱۹۵-۱۹۶؛ میرسعیدی، ۱۳۹۰: ۱/۵۲-۶۴).

با این استدلال، اگر فرد هشت ساله ای با وجود دیدن تعلیم درباره فاصله گذاری فیزیکی و چگونگی استفاده از وسیله های بهداشتی از سوی والدین، بر پایه بی احتیاطی و عدم رعایت ضوابط، به اتاق کوچک پدر بزرگ سالمند و در حال استراحت خود

وارد شود و در مدت توقفش در آن فضا، ویروس را از طریق جریان هوا به او منتقل و باعث بیماری و سپس مرگش گردد، مطابق بند ب ماده ۲۹۲ قانون پیش گفته، باعث جنایت خطئی شده است. همچنین است آنجا که شخص مجنونی که خود به واسطه گرفتن کرونا در ایزوله به سر می برد، در موقعیتی اقدام به فرار نماید و به منظور کشتن یکی از مسئولان تیمارستان که به دفعات از او رفتار نامهربانانه دیده است، وارد اتاق کارش شده و با برداشتن ماسک از روی صورت وی، علاوه بر عطسه نمودن از فاصله نزدیک، دستان آلوده خود را بر چشمان و بینی این شخص بکشد و بر اثر انتقال ویروس، سبب درگذشت او پس از یک ماه شود.

بعد سوم جنایت مورد نظر در موقعیت‌هایی چون خواب یا بیهوشی مرتکب رخ می دهد (بند الف ماده ۲۹۲ قانون ا.ا.م)؛ مثل اینکه شخص مبتلا به چنین بیماری عفونی‌ای، در حال خوابگردی، به اشیای مختلفی دست بزند و آلودگی حاصل از آن، پیرمرد ناآگاه به این موضوع را بر اثر استفاده، به ورطه بیماری و سپس مرگ کشاند. با وجود این، اگر فاعل با علم به اینکه وضعیت او نسبت به جسم و جان دیگری آسیب‌زا است، به اقدام‌های این چنینی دست زند، جنایتش عمد خواهد بود (تبصره این ماده)؛ نظیر وقتی که فردی با وجود آگاهی از داشتن بیماری خوابگردی و نیز کووید ۱۹، از رفتن به اردوی زیارتی که بدان دعوت گردیده، خودداری نکند و سپس در اثر پرسه زدن به هنگام خواب در مکان‌های مختلف محل اقامت، موجب انتقال ویروس و فوت زائر دارای دیابت شود.

۲. مسئولیت کیفری دولت، بیمارستان‌ها و نهادهای عمومی در قبال

انتقال ویروس کرونا

مسئولیت کیفری مجموعه‌های متشکل از جمله کانون‌ها، انجمن‌ها، مؤسسه‌ها، مراکزهای درمانی و نهادهای عمومی در قبال جنایت‌های ناشی از سرایت ویروس پر قدرت کرونا به افراد، از آن رو شایسته بررسی است که جملگی در زمره اشخاص حقوقی، و به حکم ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی، در ردیف تابعان حقوق کیفری قرار دارند. اگرچه طرح چنین موضوعی در اثنای گفته‌های پیشین هم ممکن می نمود،

اما به سبب اهمیت بُعدهای آن و نیز ضرورت تفکیک میان گونه‌های اشخاص مزبور از حیث شرایط توجه مسئولیت به آن‌ها، بیانی مستقل از قضیه را بایسته‌تر می‌نمود. واقعیت این است که امروزه به تناسب توسعه شخصیت‌های حقوقی و سیطره آن‌ها بر بیشتر شئون مادی و معنوی بشر و در اختیار گرفتن منابع‌های قدرت، ثروت و خطر، شکل‌گیری جرم‌های سترگی نظیر جنایت علیه اشخاص به انحای مختلفی مانند نشر عمدی یا سهل‌انگارانۀ ویروس بیماری مورد بحث از رهگذر فعالیت‌ها و اقدام‌های دور از واقع نیست. از این رو باید دید که آیا انتساب همه جرم‌های علیه تمامیت جسمانی از جمله قتل عمد به اشخاص یادشده میسر است یا نه؟ در این زمینه، آیا نوع‌های مختلف موجودهای حقوقی، از اهلیت جنایی برخوردارند و مسئولیت کیفری رفتار خود را متقبل خواهند شد یا بین آن‌ها تفاوت وجود دارد؟

اگرچه قانون‌گذار در سال ۱۳۹۲ به موجب قانون مجازات اسلامی، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را از جنبه استثنایی پیشین خارج و بدان عمومیت بخشید، اما از جهت‌هایی، همچنان دامنه آن را محدود نگاه داشته است. توضیح اینکه اگر موضوع به اشخاص حقوقی حقوق خصوصی نظیر شرکت‌های تجاری و مؤسسه‌های غیر تجاری مربوط باشد، بدون هیچ تفاوتی، آن‌ها را به واسطه جرم مستوجب تعزیری مانند تهدید علیه بهداشت عمومی - صرف‌نظر از آسیب جسمانی به اشخاص - که نماینده قانونی آن‌ها به نام یا در راستای منافعشان مرتکب شود، مسئول اعلام کرده و حسب شدت جرم و نتیجه‌های زیانبار، آماج یک یا دو ضمانت اجرای موضوع ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی قرار داده است.^۱ همچنان که ممکن است پیمانکاری به خدمت گرفته‌شده، در دفع ضایعات بهداشتی جمع‌آوری‌شده‌ای مثل دستکش‌ها و ماسک‌های مستعمل و آلوده، اصولی را که باید، رعایت نکرده و وضعیتش مشمول ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ شود. اما اگر سرانجام انتقال یا انتشار ویروس، مرگ فرد یا افراد

۱. ضمانت اجراهای پیش‌بینی‌شده در این ماده عبارت‌اند از: انحلال شخص حقوقی، مصادره کل اموال، ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی به طور دائم یا حداکثر برای مدت پنج سال، ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه به طور دائم یا حداکثر برای مدت پنج سال، ممنوعیت از اصدار برخی از اسناد تجاری حداکثر برای مدت پنج سال، جزای نقدی و انتشار حکم محکومیت به وسیله رسانه‌ها.

و یا صدمه‌هایی نظیر اختلال در دستگاه تنفسی و ریه آن‌ها باشد، در انتساب مسئولیت کیفری به این سنخ از اشخاص حقوقی باید تفکیک قائل شد؛ به طوری که اگر از یک سو، خطای جزایی شخص حقوقی محرز شود و از دیگرسو، بین رفتار وی و آسیب ایجادشده رابطه علیت برقرار باشد، جنایت منتسب به آن، شبه عمد محسوب می‌شود. بدین اعتبار، وی مطابق تبصره ماده ۱۴ و ماده ۲۰ قانون یادشده، شایسته محکومیت به دیه و تعزیر است. بنابراین اگر وضع این گونه باشد که هنگام استفاده از ماسک‌های غیر استاندارد تولیدی یک شرکت توسط شهروندی جاهل به این نقص، عفونت به بیرون منتشر و سبب مرگ وی شود، چنین شخص حقوقی‌ای، متهم به ارتکاب جنایت یادشده است. افزون بر این، همچون رویدادهایی از طریق ترک فعل نیز ممکن می‌نماید؛ مثل آنجا که بیمارستانی پیش از ضد عفونی کردن اتاق‌ها، اشیا و لباس‌ها، اقدام به پذیرش بیمار نماید و در نتیجه این رفتار، فردی بر اثر دریافت ویروس فوت نماید. اما اینکه اساس دیدگاه قانون‌گذار در تبصره ماده ۱۴ و انتساب جنایت شبه عمدی به اشخاص حقوقی، ملهم از نظریه نمایندگی^۱ (شریفی، ۱۳۹۸: ۱۱۷-۱۲۲) یا نظریه مسئولیت مافوق و کار فرماست^۲ (رفیع‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۵۳)، مطلبی است که تشریح آن، به نوشتاری مستقل نیازمند است.

اما توجه اتهام جنایت عمد به شخصیت‌های حقوقی ذکرشده که به مقصود آسیب به جان یا جسم انسان معین یا نامعین از یک جمع یا یک جمع معین یا نامعین، اقدام به انتقال این مرض مسری پرخطر به آن‌ها نمایند، به رغم اطلاق کلام قانون‌گذار در ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی دشوار است و این تلقی، نه به لحاظ عدم امکان تصور عقلی پیدایی این پیامد، که به جهت مانع قانونی در پیش روی آن است؛ چه، ضمانت اجرای کیفری تعیین شده در این قانون برای اعمال بر اشخاص حقوقی (مندرج در ماده ۲۰)، به دلالت تبصره ماده ۱۴، ویژه جرم‌های تعزیری‌اند و نه شرعی. با وجود این،

۱. بر پایه این دیدگاه، اشخاص حقوقی به طور غیر مستقیم و از طریق رفتار نماینده خود منشأ اثر بوده و رکن‌های مادی و معنوی جرم را تحقق می‌بخشند.
 ۲. بر اساس این رویکرد، اشخاص حقوقی به طور غیر مستقیم و از طریق رفتار کلیه پرسنل خود در حیطه وظیفه استخدامی، قابلیت ارتکاب جرم و پذیرش مسئولیت کیفری را دارند.

نظر به تعزیری بودن معاونت در جنایت مورد گفت‌وگو، متهم ساختن شخص حقوقی در این خصوص، با مانعی روبه‌رو نیست. بدیهی است که در این صورت، اتهام مباشرت در جنایت، معطوف به نماینده انسانی مقصر خواهد بود. با این حال برخی، عدم امکان اعمال قصاص بر اشخاص حقوقی را نه موجبی برای انتفاء انتساب جنایت به آن‌ها، که سببی برای جایگزینی تعزیر با اخذ وحدت ملاک از ماده ۶۱۲ می‌دانند (موسوی مجاب و رفیع‌زاده، ۱۳۹۴: ۶۰-۶۱). طبیعی است که نظر به ماهیت انسانی مجازات پیش‌بینی شده در ماده مزبور (حبس)، ضمانت اجرای قابل اجرا در حق شخص حقوقی را ناگزیر باید از میان موردهای مندرج در ماده ۲۰ گزینش و اعمال کرد.

آنچه می‌ماند، روش شدن وضعیت مسئولیت کیفری رفتار دولت در قبال انتقال چنین همه‌گیری و تحقق نتیجه‌های زیانبار بالاست. اگرچه منشأ این پدیده در قوه قهریه نهفته است، اما این واقعیت، وظیفه چنین نهاد مقتدر و صاحب جایگاهی را در اطلاع‌رسانی به موقع و اتخاذ تدبیرهای بهداشتی لازم برای صیانت از سلامت شهروندان برابر اصل ۲۹ قانون اساسی سلب نمی‌کند. سرزنش‌پذیری دولت در عدم تأمین الزام‌های پزشکی و بهداشتی و منجر به مردن یا صدمه دیدن انسان‌ها بر اساس هر قسم بی‌احتیاطی یا سهل‌انگاری، موضوعیت می‌یابد. اینکه نكوهشی این چنین، موجبی صرف برای مسئولیت مدنی این مرجع در جبران خسارت‌های مادی و روانی با مبانی مربوط به خود است^۱ یا افزون بر آن، زمینه‌ساز مسئولیت کیفری او نیز خواهد بود، محل نزاع است. بسیاری از نظام‌های حقوقی از جمله انگلستان (Wells, 2011: 99-101) و فرانسه (روح‌الامینی، ۱۳۸۷: ۱۵۰)، با تحمیل مسئولیت اخیر بر دولت بر اساس دلیلی‌هایی مانند حفظ و استمرار حاکمیت، بی‌فایده بودن مجازات کردن این نهاد، نبود ضمانت اجراهای مناسب و عدم خدشه به خدمات عمومی، مخالفت نموده‌اند. با این حال، آن‌ها در وضعیتی که دولت به تصدیگری و انجام فعالیت‌های قابل تفویض به اشخاص حقوقی حقوق خصوصی و اشخاص حقیقی از جمله حمل و نقل، بهداشت و درمان و ساختمان‌سازی مشغول و از این رهگذر باعث جرمی گردد، موضع خود را تعدیل کرده

۱. مبانی چندگانه توجیه‌کننده این مسئولیت عبارت‌اند از: نظریه قرارداد اجتماعی، همبستگی اجتماعی، واقع‌گرایی سیاسی (برای مطالعه بیشتر ر.ک: مهرا، ۱۳۹۹: ۱۴۵-۱۴۸).

و مبتنی بر اصل مساوات اشخاص در برابر حقوق کیفری، برای وی مسئولیت کیفری قائل شده‌اند (شریفی، ۱۳۹۴: ۱۶۷-۱۷۲).

قانون‌گذار ایران نیز در تبصره ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی با تصریح به اینکه: «مجازات موضوع این ماده، در مورد اشخاص حقوقی دولتی و یا عمومی غیر دولتی در مواردی که اعمال حاکمیت می‌کنند، اعمال نمی‌شود»، مشابه این رویکرد را برگزیده است. بنابراین اگر یک نهاد دولتی مثل نیروی انتظامی در کشف جرم و تعقیب و گریز متهم، مرتکب جرمی مثل تخریب اموال دیگران گردد، مصون از مسئولیت کیفری است. درست همین شخص حقوقی، اگر در فرایند ساختمان‌سازی برای پرسنل، مرتکب جعل سند، کلاهبرداری، تقلب مالیاتی یا هر جرم دیگری شود، به اعتبار مفهوم مخالف این تبصره، برخوردار از این نوع مسئولیت است. شایان ذکر است که اطلاق تبصره ماده ۱۴ قانون مورد اشاره^۱ این اجازه را می‌دهد که اقدام‌های مبتنی بر خطای اشخاص مورد ذکر، چه در مقام اعمال حاکمیت و چه در راستای تصدی، در صورت منجر به مرگ یا صدمه جسمانی دیگران شدن، موجب شکل‌گیری جنایت شبه عمد و تثبیت مسئولیت آن‌ها بر پرداخت دیه گردد. این مقرر از آن رو قابل دفاع است که از یک طرف، به برابری همگان در پیشگاه قانون وقعی می‌نهد و از طرف دیگر، حاوی این پیام است که قدرت، نه موجبی برای مصونیت، که سببی بر مسئولیت صاحب آن است. بنابراین اگر در زمان همه‌گیری کرونا که توأم گردیده با اعلام ممنوعیت فعالیت‌های غیر حیاتی اشخاص حقیقی و حقوقی از جانب ستاد ملی مبارزه با کرونا، نهادی چون وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اقدام به برگزاری نمایشگاه کتاب به صورت حضوری نماید و این امر سبب نشر ویروس و مرگ یا لطمه به اجزای تنفسی فرد یا افراد بازدیدکننده گردد، جنایت صورت گرفته بر پایه چنین بی‌احتیاطی‌ای، شبه عمد و منسوب به اوست. همچنین دور از ذهن نیست که چنین بازتاب‌هایی، مسبوق به ترک فعل نهادی خاص باشد؛ مثل اینکه سازمان زندان‌ها به رغم شیوع بیماری کووید ۱۹ در زندان یک منطقه، نسبت به کسب نظر پزشکی قانونی، اعطای مرخصی به زندانیان

۱. مطابق این تبصره: «چنانچه رابطه علیت بین رفتار شخص حقوقی و خسارت وارد شده احراز شود، دیه و خسارت قابل مطالبه خواهد بود...».

در معرض ابتلا و در صورت لزوم، تحت درمان قرار دادن مبتلایان در محیط درمانی، برابر با ماده ۵۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری اقدام ننماید. همین طور ممکن است که برگزاری برخی تجمع‌ها به شرط کاربست پروتکل‌های ناظر به سلامت مجاز باشد؛ اما نهاد دعوت‌کننده با وجود داشتن تکلیف بر رعایت همهٔ موردهای ایمنی، از این امر امتناع کند و سبب ایجاد نتیجه‌های یادشده شود. در این موردها، به دلیل انطباق چنین رفتارهایی با شرایط مندرج در ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی از جمله داشتن وظیفهٔ خاص مبتنی بر فعل (مراعات دستورهای بهداشتی)، توانایی بر انجام این مهم، و تحکیم پیوند علیت بین چنین ترک فعلی و جنایت تحقق‌یافته، مسئولیت کیفری متوجه موجود حقوقی است. احراز رابطهٔ علیت بین این گونه کنش‌های منفی - که مصداق‌هایی از سببیت‌اند و نه مباشرت^۱ - و نتیجه‌های ناصواب، از آن روست که جایگاه آن‌ها از ترک فعل محض تمیز داده شود.

مطلب‌های پیش‌گفته دربارهٔ سازمان‌ها و بنیادهای حقوقی حقوق عمومی غیر دولتی نیز صادق بوده و آن‌ها هم جز در مقام اعمال حاکمیت، به واسطهٔ جرم صورت‌داده از طرف نمایندهٔ قانونی خود، مسئولیت کیفری نیابتی خواهند داشت. حال، پرسش این است که چنانچه نهاد عمومی چون شهرداری، انجام فعالیت سازمانی خود مثل جمع‌آوری زباله‌های منطقه‌ای را به شرکت پیمانکاری از بخش خصوصی محول نماید و سپس به سبب عدم رعایت اصول بهداشتی در حین انجام کار، ویروس کرونا به رهگذر دارای بیماری زمینه‌ای منتقل و منجر به مرگ او گردد، مسئولیت کیفری بر عهدهٔ پیمانکار است یا نهاد تفویض‌کنندهٔ فعالیت؟ در خصوص این موضوع و دیگر موردهای مشابه که تفویض فعالیت به نهادی دیگر مغایرت قانونی نداشته باشد، به نظر می‌رسد که مسئولیت کیفری متوجه پیمانکار باشد و همو باید محکوم به پرداخت دیه و تحمل تعزیر گردد.^۲ پاسخ به این پرسش که: «اگر دادگاه نخستین، نه شخص حقوقی

۱. برای آگاهی بیشتر در این باره و به طور کلی تبیین امکان وقوع جنایت به وسیلهٔ ترک فعل، ر.ک: صادقی و جودکی، ۱۳۹۵: ۱۲۰-۹۹.

۲. فارغ از موضوع کرونا، برای آگاهی دربارهٔ نحوهٔ مسئولیت کیفری دولت و شهرداری در رویهٔ قضایی ر.ک: نشست قضایی قضات مازندران، کد نشست ۱۳۹۸-۶۶۳۴ (<<https://www.neshast.org>>).

پیمانکار، بلکه مدیر آن را محکوم کند، آیا مدیر جدید خواهد توانست نسبت به حکم اعتراض نماید یا نه؟^۱، به سبب تفکیک شخصیت حقیقی از حقوقی، منفی است. با همین استدلال، اگر مدیر محکوم، اقدام به پژوهش خواهی کند، دادگاه تجدیدنظر قادر نیست با توجیه تقصیر پیمانکار، حکم را تغییر داده و وی را محکوم نماید.

نتیجه گیری

توسل به سازوکارهای حقوق کیفری و به خدمت گرفتن ضمانت اجرای آن برای تقابل با اشخاصی که با نادیده انگاشتن قواعد مربوط، به طور مستقیم یا غیر مستقیم در انتشار بیماری کووید ۱۹ دخیل و سلامت جسمانی افراد را به مخاطره می افکنند، به منظور حفظ منافع عمومی جامعه و حمایت از بزه دیدگان اجتناب ناپذیر می نماید. کاربست این رویکرد در کنار اعمال سیاست اجتماعی ناظر به رعایت دقیق پروتکل های ایمنی و به کار گماردن توصیه های سازمان بهداشت جهانی و وزارت بهداشت کشور از سوی اشخاص حقیقی و حقوقی، طریق های بایسته کنترل اوضاع نابسامان ناشی از این بلای بیولوژیک است. بر اساس راهبرد نخست، انتقال توأم با قصد بیماری یاد شده به فرد معین، یا فرد یا افرادی نامعین از یک جمع و حتی فرد یا جمعی نامعین که هرآینه می تواند منجر به فوت، نقص عضو و یا لطمه به منافع شخص یا اشخاص و در نتیجه تحقق جنایت عمدی گردد، مستلزم مجازات قصاص و در این میان، وجود فاصله زمانی میان رفتار مرتکب و نتیجه ناشی از آن، متغیری بی تأثیر است. از طرفی، چون حسب نظر متخصصان و داده های آماری، چنین ویروسی نسبت به مبتلایان کهن سال و دارندگان بیماری زمینه ای نوعاً مرگبار یا آسیب زننده به جسم به ویژه اعضای داخلی است، اشاعه به دیگری بدون قصد صریح بر نتیجه نیز با علم به سببیت آن، موجب انتساب این نوع جنایت به فاعل است. در نبود ویژگی های مذکور و نیز در وضعیتی که سرایت منتهی به نتیجه، محصول تقصیر و یا جهل مرتکب نسبت به موضوع^۱ باشد، جنایت شکل گرفته، شبه عمد است. حال اگر گزند وارد بر جان و جسم دیگری

۱. البته خطا در هویت (موضوع ماده ۲۰۴ قانون م.ا. که به نظر، نوعی از جهل به موضوع (مثل مهدورالدم بودن بزه دیده) است، از این حکم مستثنا و متضمن جنایت عمد خواهد بود.

از رهگذر آلودگی به این نوع ویروس، ریشه در عمد یا خطای کودک یا شخص مجنون، یا خطای در هدف از سوی کنشگر و یا اقدام شخص در هنگام خواب با بیهوشی داشته باشد، جنایت شکل گرفته، خطای محض خواهد بود. پوشیده نماند که دو مورد اخیر، در صورت علم مرتکب به تحقق نتیجه و اقدام به رغم این علم، جلوه عمد به خود می‌گیرند. گذشته از این‌ها، اگر مرتکب به قصد خاص اخلال گسترده در نظم عمومی یا با علم به آن، اقدام به پخش ویروس مورد اشاره در سطح جامعه نماید، مفسد فی الارض محسوب و مشمول ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی می‌گردد. در این حال، جنایت علیه اشخاص جنبه حق الهی و غیر قابل گذشت به خود گرفته و نه تنها برای مباشر، که برای معاون هم کیفر اعدام در پی دارد. اگرچه نظر به سنگینی مجازات اعدام، اصلاح ماده نام‌برده و تنویر مفهوم‌هایی چون «گسترده» و «وسیع»، جهت پرهیز از تفسیر به رأی قضایی در خور اهمیت است.

بدین گونه در پرتو تدبیرهای پیش‌بینی شده در قانون، امکان تعقیب کیفری و مجازات متخلفان حوزه مورد بحث فراهم است. البته این، به معنای کفایت مقررهای موجود در کنترل تلاطم ناشی از بیماری کووید ۱۹ نیست و نیل به نتیجه‌ای مطلوب، منوط به بازاندیشی در برخی موردهاست؛ از جمله، ضرورت تحول بنیادین در قانون طرز جلوگیری از بیماری‌های آمیزشی و بیماری‌های واگیردار مصوب سال ۱۳۲۰ از جهت قلمرو، شدت‌بخشی به ضمانت‌اجراهای کیفری مندرج در آن و غیر قابل گذشت اعلام کردن جرم انتقال بیماری و یا اساساً وضع قانونی نوین و جامع‌الاطراف؛ به گونه‌ای که متضمن جرم‌انگاری نفس اشاعه ویروس کرونا در هر دو شق عمدی و غیر عمدی (مبتنی بر غفلت و تقصیر)، همراه با ضمانت‌اجراهای درخور و مستثنای از شمول نهادهای ارفاقی‌ای چون تخفیف، تعلیق و مرور زمان باشد. همین‌طور وجوب جرم‌انگاری رفتار کسانی که از علائم این بیماری برخوردارند و با وجود این، خود را به مراکز درمانی معرفی نکرده و یا در صورت قرنطینه شدن، اقدام به فرار می‌کنند.

کتاب‌شناسی

۱. آقایی نیا، حسین، *جرایم علیه اشخاص*، چاپ شانزدهم، تهران، میزان، ۱۳۹۶ ش.
۲. اردبیلی، محمدعلی، *حقوق جزای عمومی*، چاپ شصتم، تهران، میزان، ۱۳۹۹ ش.
۳. بهسنی، احمد فتاحی، *الجرایم فی الفقه الاسلامی*، چاپ ششم، بیروت، دار الشرق، ۱۹۸۸ م.
۴. حاجی ده‌آبادی، احمد، «بررسی فقهی - حقوقی جنایات ارتكابی توسط صغیر با تأکید بر قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲)»، *فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده*، سال هفتم، شماره ۶۶، ۱۳۹۳ ش.
۵. حکمت‌نیا، محمود، «مبانی اخلاقی، فقهی و حقوقی الگوی مواجهه ملی با بیماری‌های همه‌گیر یا تأکید بر کرونا»، *فصلنامه حقوق اسلامی*، شماره ۶۴، بهار ۱۳۹۹ ش.
۶. روح‌الامینی، محمود، «دگرگونی‌های مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در نظام حقوقی ایران و فرانسه»، *فصلنامه حقوق اسلامی*، سال چهارم، شماره ۱۶، بهار ۱۳۸۷ ش.
۷. روشن، محمد، و محمد صادقی، «ضمان ناشی از انتقال بیماری جنسی»، *فصلنامه ققه پزشکی*، سال سوم، شماره‌های ۷-۸، تابستان و پاییز ۱۳۹۰ ش.
۸. شاملو، باقر، «بازخوانی سیاست جنایی پیشگیرانه در پرتو پاندمی کووید-۱۹ و تئوری آشوب»، *فصلنامه تحقیقات حقوقی (ویژه‌نامه حقوق و کرونا)*، شماره ۹۰، تابستان ۱۳۹۹ ش.
۹. شریفی، محسن، «تأملی بر مدل‌های مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی (مطالعه نظام‌های کیفری آمریکا، استرالیا و ایران)»، *فصلنامه مطالعات حقوقی*، دوره یازدهم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۸ ش.
۱۰. صادقی، محمدهادی، *جرایم علیه اشخاص*، چاپ بیست و یکم، تهران، میزان، ۱۳۹۴ ش.
۱۱. طوسی، محمد بن حسن، *المبسوط فی فقه الامامیه*، تهران، المكتبة المرتضویه، ۱۳۴۶ ش.
۱۲. عوض، عوض محمد، *قانون العقوبات (القسم العام)*، اسکندریه، دار المطبوعات الجامعیه، ۱۹۸۰ م.
۱۳. فروغی و دیگران، «نحوه احراز مسئولیت کیفری در بیماری‌های واگیردار و جرایم قابل انتساب»، *فصلنامه حقوق پزشکی*، سال نهم، شماره ۳۵، زمستان ۱۳۹۴ ش.
۱۴. محمد بن مکی، *لمعه دمشقیه*، ترجمه و تبیین علی شیروانی، چاپ چهل و چهارم، قم، دار الفکر، ۱۳۹۱ ش.
۱۵. محمدخانی، عباس، *عنصرروانی جرم*، تهران، میزان، ۱۳۹۵ ش.
۱۶. محمدی جورکویه، علی، «مسئولیت ناشی از انتقال بیماری واگیر و ویروس»، *فصلنامه حقوق اسلامی*، دوره هفدهم، شماره ۶۴، بهار ۱۳۹۹ ش.
۱۷. مرادی، حسن، و علی شهبازی، «عنصر معنوی قتل عمد در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲»، *فصلنامه پژوهش حقوق کیفری*، سال چهارم، شماره ۱۳، ۱۳۹۴ ش.
۱۸. مظفری، مصطفی، و مرتضی میرزایی مقدم، «بررسی حقوقی نحوه عملکرد و مسئولیت دولت در جبران خسارات ناشی از بحران کووید-۱۹»، *فصلنامه تحقیقات حقوقی (ویژه‌نامه حقوق و کرونا)*، شماره ۹۰، تابستان ۱۳۹۹ ش.
۱۹. موسوی مجاب، سید ذرید، «تأثیر اراده بر مسئولیت جنایی»، *دانشنامه مسئولیت کیفری: مقاله‌های برگزیده همایش ملی تحولات مسئولیت کیفری در نظام حقوقی ایران*، به کوشش محسن شریفی، ۱۳۹۸ ش.
۲۰. موسوی مجاب، سید ذرید، و علی رفیع‌زاده، «دامنه مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی»، *فصلنامه پژوهش حقوق کیفری*، سال چهارم، شماره ۱۳، زمستان ۱۳۹۴ ش.
۲۱. میرسعیدی، سیدمنصور، *مسئولیت کیفری؛ جلد اول: قلمرو و ارکان*، تهران، میزان، ۱۳۹۰ ش.



۲۲. نجفی، محمدحسن بن باقر، *جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام*، چاپ دوم، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸ ش.

23. Nikolich-Zugich Janko, et al., "SARS-CoV-2 and COVID-19 in older adults: what we may expect regarding pathogenesis, immune responses, and outcomes", *GeroScience, Official Journal of the American Aging Association (AGE)*, Vol. 42(2), 10 Apr. 2020, Available at: <<https://link.springer.com/article/10.1007/s11357-020-00186-0>>.
24. Verity, Robert, et al., "Estimates of the Severity of Coronavirus disease 2019: a model-based analysis", *The Lancet Infectious Diseases*, Vol. 20(6), 01 June 2020, Available at <[https://www.thelancet.com/action/showPdf?pii=S1473-3099\(20\)30243-7](https://www.thelancet.com/action/showPdf?pii=S1473-3099(20)30243-7)>.
25. Wells, Celia, "Corporate Criminal Liability in England and Wales: Past, Present, and Future", in: Mark Pieth & Radha Ivory (Eds.), *Corporate Criminal Liability; Emergence, Convergence, and Risk*, Springer, Dordrecht, March 2011.

